



متولیان مدرسه منصوریه شیراز: بازخوانی شش سند

پدیدآورده (ها) : رنجبر، محمد علی

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: پاییز و زمستان 1377 - شماره 31 و 32
از 48 تا 61

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92220>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 12/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

متولیان مدرسه منصوریه شیراز بازخوانی شش سند

محمد علی رنجبر

مقدمه

مدرسه منصوریه شیراز پیش از حکومت صفوی (۱۱۳۵-۹۰۷ ه.ق.) و در زمان یعقوب آق قویونلو (حکومت ۸۹۶-۸۸۳ ه.ق.) بنا شد، و با حکومت صفویان موقوفات آن همچون گذشته از معافیتهای مالیاتی برخوردار گردید. براساس شرح وقفنامه، افراد خاندان صدرالدین محمد دشتکی شیرازی (۹۰۳-۸۲۸ ه.ق.) (بانی و واقف) به ترتیب تولیت آن را به عهده داشتند چنان که غیاث‌الدین منصور صاحب منصب صدر در زمان تهماسب یکم صفوی (حکومت ۹۸۴-۹۳۰ ه.ق.) از متولیان آن مدرسه بود. این تولیت تا پس از حکومت صفوی نیز ادامه یافت تا آنجا که میرزا حسن فسائی مولف فارسنامه ناصری در اثبات حق تولیت خود در حدود موقوفات آن مدرسه به تالیف این اثر مهم در زمان فاجران دست زد. در این نوشته، افزون بر شرح حال متولیان مدرسه منصوریه در زمان حکومت صفویان، شش سند موجود در سازمان اسناد ملی ایران نیز بازخوانی شده‌اند. موضوع این اسناد، معافیتهای و تعیین متولیان موقوفات مدرسه منصوریه شیراز است. اسناد در سالهای ۱۱۱۸، ۱۱۱۹،

۱۱۳۳ ه.ق. تحریر شده‌اند و عمدتاً در رسیدگی به نوبت تولیت سیدعلی خان (۱۱۱۸-۱۰۵۲ ه.ق.) و فرزندان او می‌باشد.

۱- متولیان مدرسه (صدرالدین محمد دشتکی شیرازی، غیاث‌الدین منصور، سیدعلی خان)

مدرسه منصوریه در ایام حکومت آق قویونلوها در شیراز بنا شد. بانی و واقف این مدرسه سیدصدرالدین محمد دشتکی شیرازی (۹۰۳-۸۲۸ ه.ق.) بود.

سیدصدرالدین محمد از علمای شیراز بود کتبه او را ابوالمعالی نوشته‌اند و نسب او را به چند واسطه بحضرت امام حسین (ع) رسانده‌اند^(۱). او در سیر دانش‌اندوزی با رسیدن به درجه کمال و اجتهاد، در مدرسه‌ای که خود بنا کرده بود «هنگامه درس وافاده را گرم ساخت». مولف خلدبرین او را از «جمع علمای دانشور و فضیلابی افادت اثر به جودت ذهن و دقت طبع مستثنی و ممتاز» می‌داند^(۲).

با بنای مدرسه منصوریه، صدرالدین محمد فرمان «معافی و مسلمی»



برمی آمد که درس هم می خوانند از متولی راضی بودند^(۷)،

بخشی از املاک و دارائیهایی که وقف مدرسه منصوبه شده بود در اسناد مورد استفاده در این بررسی ذکر شده است. اما بطور کلی پطروشفسکی - تاریخنگار و پژوهشگر روسی - ۵۰ دهکده را در فارس از موقوفات این مدرسه می داند که درآمد سالیانه آن به ۲۴۲ هزار دینار می رسید^(۸).

از آنجا که تولیت مدرسه منصوبه پس از واقف و بانی آن صدرالدین محمد با فرزند ارشد وی بود، این وظیفه به غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی (۹۴۸ - ۸۶۶) منتقل شد^(۹).

غیاث الدین منصور نخستین مراحل آموزش علمی را در نزد پدرش گذراند و در این مورد به مرتبه ای رسید که او را «خاتم الحکماء» نامیدند و شخصیت علمی را ستودند. آثار بسیاری از او در علوم مذهبی و طبیعی بجا مانده است. از جمله، رساله در معرفت قبله، که ظاهراً به مخالفت با تغییر قبله شهرهای ایران بفرمان محقق کرکی نوشته شد، اخلاق منصوری و چندین کتاب در ریاضیات همچون السفیر فی الهیته، اللوامع، الاساس در علم هندسه و کفایه الحساب^(۱۰).

شهرت و اعتبار علمی و نسبی غیاث الدین منصور موجب شد که در حکومت صفویان از جمله رجال شناخته شده باشد. در زمان حکومت اسماعیل یکم (۹۳۰ - ۹۰۷) و بدنبال اختلاف میان میرزا شاه حسین وکیل - عالی رتبه ترین صاحب منصب و نایب دنیوی و معنوی شاه - و امیر جمال الدین محمد استرآبادی صدر، غیاث الدین منصور از سوی وکیل به دربار فرا خوانده شد تا در منصب صدرات رقیب و شریک امیر جمال الدین باشد. گفتنی است که صدر ریاست بر موسسات مذهبی (مدرسه، مساجد، اوقاف، آموزش مذهبی و...) داشت و عهده دار ترویج و اشاعه مذهب تشیع بود^(۱۱). علیرغم تمایل وکیل و «کمالات و تجر» غیاث الدین منصور، وی موفق به دسترسی به منصب صدرات نشد و در مباحثات طرفین، چون «مطایبه و هزل بر مزاج» جمال الدین محمد غالب بود، این مباحثات با «ظرافت» پایان می رسید و مانع از شدت و احتمالاً غلبه می شد^(۱۲). ظاهراً در همین ایام اقامت غیاث الدین منصور در دربار است که فرمان تجدید و تاکید معافیت املاک موقوفه مدرسه منصوبه را از اسماعیل یکم به سال ۹۲۶ دریافت می کند. گفتنی است که براساس متن فارسی نامه ناصری، فرمان تولیت غیاث الدین منصور و تجدید معافیت املاک موقوفه آن مدرسه، نخستین بار در حکومت صفوی به سال ۹۰۹ صادر شد^(۱۳).

املاک و موقوفات آن مدرسه از «وجوه دیوانی» را از سلطان یعقوب (۸۹۶ - ۸۸۳) حاکم آق قویونلو دریافت کرد. در این فرمان که به سال ۸۹۳ صادر شده است حاکم آق قویونلو به احترام و اکرام «سادات عظام» بویژه آنان که علو نسبشان به «شرف حسب مزین» است و از آنجا که بنیاد امر به «خیرات» و «مبرات» است به تمامی حکام و وزراء و دیوانیان و مستوفیان فرمان می دهد که معافیت املاک آن مدرسه از وجوه دیوانی را رعایت کنند و می افزاید:

«سید صدرالملک والقاده و السیاده و الافاضه والدین محمد در زمان دولت روز افزون و عهد خلافت همایون مدرسه رفیع و بقعه منیع موشح بالقباب و مشحون به اسم سامی ما در دارالملک شیراز انشاء و بنا نمود و رقبات مذکوره فی الذیل را جهت ثویبات دولت ابد پیوند به مقتضی و قضیه شرعی بر آن بقعه وقف نمود که بموجبی که در وقتنامه مشروعه مشروحه مسطور است به مصرف وجوب و مصاب استحقاق رساند و جمع رقبات مذکوره در پیچین نیل از قرار تصدیق دیوانیان شیراز بدین موجب است. دوست و چهل و دو هزار و هفتصد و هشتاد و سه دینار و نیم رایج تبریزی ... سنه ثلث و تسعین و ثمانمانه»^(۱۴).

مدرسه منصوبه در ایام بنا در محله دشتک شیراز قرار داشت. این محله بعدها و در زمان کریم خان زند (۱۱۹۳ - ۱۱۶۳) بعلت کوچک شدن حصار شیراز با محلات «سردزک» و «بازار مریخ» به هم پیوستند و بخشی از آن نیز جزء محله «لب آب» شد. از اینرو مدرسه مذکور در محدوده محله اخیر قرار گرفت^(۱۵).

بدنبال مرگ صدرالدین که بدست ترکمانان آق قویونلو در سال ۹۰۳ اتفاق افتاد جسد او را در آن مدرسه دفن کردند مدت حیات وی ۷۵ سال ذکر شده است^(۱۶). مرگ بانی مدرسه منصوبه بدست قاسم بیگ پرناک حاکم فارس صورت گرفت. ظاهراً درگیریها و صف بندیهای داخلی آق قویونلوها از جمله عوامل این قتل بود.

مؤلف آثارالعجم بنای مدرسه منصوبه را در دو بخش توصیف می کند: یک طرف حجرات «دلپسند» و طرف دیگر «باغچه مانند»ی قرار داشت^(۱۷). این توصیف را در نوشته ای بسال ۱۳۳۵ شمسی نیز می توان دید:

«این مدرسه امروز [۱۳۳۵ شمسی] در دو قسمت مجزا است. یک حیاط محل دبستان مهذب است و حیاط دیگر بطرز قدیم حجراتی دارد که طلاب در آن سکونت دارند گویا بهر طلبه در ماه سی تومان داده می شود. چند نفر از طلبه ها که در صحن مدرسه بودند از مکالمه و مباحثه آنان



- ۴ - میرزا ابراهیم دشتکی شیرازی (وفات ۹۹۰)
 - ۵ - امیر حسین نصیرالدین (میرزا نصرالدین حسین) (وفات ۱۰۲۳)
 - ۶ - میرزا نظام‌الدین احمد بن ابراهیم (وفات ۱۰۱۵)
 - ۷ - میرزا معزالدین محمد دشتکی شیرازی فرزند میرزا نظام‌الدین احمد (وفات ۱۰۶۵)
 - ۸ - میرزا محمد معصوم دشتکی شیرازی فرزند میرزا نظام‌الدین احمد (وفات ۱۰۳۲)
 - ۹ - میرزا نظام‌الدین احمد مکی شیرازی فرزند میرزا محمد معصوم (۱۰۸۵ - ۱۰۲۷)
 - ۱۰ - میرزا سیدعلی خان صدرالدین حسینی مدنی مکی شیرازی فرزند میرزا نظام‌الدین احمد (۱۱۱۸ - ۱۰۵۲)
 - ۱۱ - میرزا مجدالدین محمد بن میرزا سیدعلی خان (۱۱۸۱ - ۱۱۰۵)
 - ۱۲ - میرزا حسن (۱۲۳۷ - ۱۱۸۰)
 - ۱۳ - میرزا حسن حسینی فسائی مولف فارسنامه ناصری که فرزند سوم میرزا حسن است (۱۱۷).
- براساس محل اقامت نیز افراد خاندان دشتکی قابل تقسیم به چند گروه هستند: گروهی که در مکه می‌زیستند. از این جمله میرزا محمد معصوم دشتکی است که بمدت چند سال در مسجدالحرام کتب فقه پنج مذهب اسلامی را تدریس کرد و بدین وسیله میان فرق اهل سنت حجاز و شیعیان اثنی عشری آنجا «صلاح و وفاق» انداخت و شیوه «خصومت و مشاجرت» را برداشت. وی در مکه و همچنین طائف، خانه، دکان، باغ و زمینهای کشاورزی داشت که وقف «اولاد» کرد و نسلهای بعد عواید آن را دریافت می‌کردند (۱۸).
- گروه دیگر از اعضای خاندان دشتکی در هند اقامت کردند از این جمله میرزا نظام‌الدین احمد مکی شیرازی است وی در طائف بدینا آمد و در مکه رشد کرد بعدها در حیدرآباد هند اقامت کرد و در همانجا بسال ۱۰۸۵ درگذشت. در سال ۱۰۶۶ بفرمان عباس دوم (۱۰۷۷ - ۱۰۵۲) تولیت مدرسه منصوبه به وی واگذار شد. متن این فرمان در فارسنامه ناصری آمده است:
- «فرمان همایون شرف نفاذ یافت آنکه چون ... میرزا نظام‌الدین احمد... تولیت شرعی مدرسه رفیعه منصوبه ... [که] سابقاً به مرحوم امیر معزالدین محمد ولی میر نظام‌الدین احمد دشتکی عم حقایق آگاه مومی‌الیه متعلق بوده و معروض شد که متوفی شده و نوبت تولیت به عالیجاه مشارالیه منتهی شده از تاریخ فوت مرحوم... [به‌وی] ارزانی داشتیم ... سنه

در زمان حکومت تهماسب یکم (۹۸۴ - ۹۳۰) غیاث‌الدین منصور موفق شد بدنیاال مرگ میر قوام‌الدین حسین در منصب صدارت با امیر نعمت‌الله حلی بسال ۹۳۶ شریک شود. اما بزودی و با دخالت محقق کرکی در سال ۹۳۸ از آن منصب معزول شد (۱۴).

علی بن عبدالعالی کرکی (محقق کرکی) ظاهراً در اوایل حکومت اسماعیل از جبل عامل به ایران مهاجرت کرد و بزودی از نزدیکان و مقربان اسماعیل شد. اما اوج اقتدار وی در زمان شاه تهماسب یکم بود. چنانکه عملاً شاه تهماسب نایب او بشمار می‌آمد. تهماسب در فرمان به تمام شهرهای کشور او را نایب امام (عج) خواند و دستور داد که از فرمان او اطاعت کامل کنند و با این پشتوانه محقق کرکی در کلیه امور کشور از جمله وصول مالیات، اقامه نمازجمعه، تغییر قبله، آموزش دینی، و عزل و نصب داریندگان مناصب مذهبی دخالت میکرد (۱۵).

بظاهر اختلاف غیاث‌الدین منصور با محقق کرکی ریشه فقهی و اعتقادی داشت چنانکه با تغییر قبله شهرهای ایران از سوی محقق کرکی موافق نبود. افزون بر این، آیا این اختلاف نظر ریشه در خاستگاه جغرافیائی طرفین نداشت. و در واقع نشانگر اصطکاک و تفاوت عقیده علمای بومی ایران با علمای مهاجر عرب نبود؟ به هر روی، شاه تهماسب یکم در تذکره پایان ماجرا را اینگونه می‌آورد:

«درینوقت میانه مجتهدالزمانی شیخ علی عبدالعالی و میر غیاث‌الدین منصور صدر مباحثات علمی صدور یافت. با آنکه مجتهدالزمانی غالب بود اذعان اجتهاد او نکردند و مدار بر عناد داشتند. طرف حق را منظور داشته اجتهاد [محقق کرکی] را بدو ثابت کردیم» (۱۶).

با مرگ غیاث‌الدین منصور در سال ۹۴۳، افراد خاندان وی دیگر همچون او در نزد حاکمیت صفوی تقرب نیافتند و صاحب مناصب مهم نشدند اما تولیت بر مدرسه منصوبه در میان اعضای این خاندان باقی ماند و علاوه بر این نقش و رسالت علمی خود را هم بخوبی ایفاء کردند.

از اخلاف خاندان غیاث‌الدین منصور، مولف فارسنامه ناصری میرزا حسن حسینی فسائی است. انگیزه غالب او در تالیف این اثر، اثبات حقانیت تولیت مدرسه مذکور و اثبات حدود موقوفات آن در زمان قاجار است. میرزا حسن حسینی در سلسله متولیان موقوفات مدرسه منصوبه پس از غیاث‌الدین منصور، بدین ترتیب از دیگران نام می‌برد:

- ۱ - امیر صدرالدین محمد دشتکی (۹۰۳ - ۸۲۸)
- ۲ - امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی (۹۴۸ - ۸۶۶)
- ۳ - امیر سلام‌الله بن امیر صدرالدین محمد دشتکی (وفات ۹۷۵)



۱۰۶۶ (۱۹)

حسین صفوی تالیف کرده و این کتاب نیز طبع رسیده است. از دیگر آثار وی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

شرح رساله شیخ بهائی در علم نحو، طراز اللغه که لغتنامه ای عربی به عربی است، سلافة العصر فی محاسن الشعراء بکل مصر، غنینه الاغانی (۲۴).

بر اساس شش سند مورد بررسی در این نوشتار (۲۵)؛ در سند شماره ۱) تولیت سیدعلی خان بر موقوفات مدرسه منصوریه و معافیت موقوفات آن از وجوه دیوانی و سایر موارد در صفر سال ۱۱۱۸ تجدید و تائید می شود. در این سند با استناد به فرمان رمضان سال ۹۲۶ (زمان شاه اسماعیل یکم) این امر صورت می گیرد. این سند به مهر «بنده شاه ولایت سلطان حسین» منقوش است و با عبارت «حکم جهانمطاع شد» آغاز می شود و در ۲۳ سطر تحریر شده است.

سند شماره ۲ خطاب به وزیر فارس و بتاريخ ربیع الاول سال ۱۱۱۸ است در ایسن فرمان سیدعلی خان از وکیل خود میرفخرآ (در سند ناخواناست)؟ نامی که جهت ضبط حاصل املاک و سایر امور موقوفات در زمان اقامت در هند تعیین شده بود سخن بمیان می آورد از «تغلب و تصرف» در اموال موقوفه و بویژه عدم پرداخت مبلغ دوپست و چهل تومان از بابت فروش خانه شخصی سیدعلی خان توسط وکیل مذکور شکایت میکند و می خواهد که با ضبط اموال وکیل در شیراز او را مجبور به پرداخت کنند. این سند با عبارت «حکم جهانمطاع شد» آغاز می شود و در ۱۴ سطر تحریر شده است.

سند شماره ۳ بمهر «بنده شاه ولایت سلطان حسین» منقوش است و ظاهراً - تاریخ سند تقریباً ناخواناست - به تاریخ ربیع الاول سال ۱۱۱۸ است. این سند همچون اسناد شماره یک و دو با عبارت «حکم جهانمطاع شد» آغاز می شود و در ۲۸ سطر تحریر شده است. در این فرمان سیدعلی خان با استناد به شرط تولیت در وقفنامه که «اسن و ارشد بودن اولاد ذکور و تقدم بطن اعلی در هر مرتبه بر بطن اسفل» است مدعی تولیت خود پس از تولیت پدرش نظام الدین احمد است و اشاره می کند که پیش از این در نامه ای به قاضی شیراز (شیخ صالح بحرانی، وفات ۱۱۱۲) (۲۶)، نایب و ناظر تولیت را انتخاب و معرفی کرده است این در حالی است که میرزا معصوم از خاندان دشتکی و احتمالاً از عموزادگان سیدعلی خان باشد - ادعای تولیت کرده است. با توجه به آنکه علما، شیخ الاسلام، و قاضی شیراز همگی حقانیت و نوبت تولیت سیدعلی خان را تائید کرده اند در این فرمان به وزیر فارس دستور داده می شود که در حضور «اهالی شرع» موقوفات مدرسه منصوریه را کماکان بتصرف وکیل سیدعلی خان قرار داده

گروهی دیگر از این خاندان در شیراز متوطن شدند. اینان در مدرسه منصوریه تدریس می کردند. گروه چهارم کسانی بودند که در فسا ساکن بودند (۲۰).

از آنجا که محور بحث این بررسی اسناد بجا مانده از معافیتها و تعیین متولیان مدرسه منصوریه شیراز است و مجموع این اسناد عمدتاً به زمان میرزا سیدعلی خان (۱۱۱۸ - ۱۰۵۲) و فرزندانش وی، بویژه میرزا مجدالدین محمد بن میرزا سیدعلی خان (۱۱۸۱ - ۱۱۰۵) تعلق دارد آگاهیهای موجود پیرامون آنها را جهت روشن شدن مضمون اسناد ارایه می شود.

صدرالدین علی بن معصوم بن احمد معروف به سیدعلی خان مدنی ملقب به کبیر (۱۱۱۸ - ۱۰۲۵) از عالمان دینی و دانشمندان شیعه بود که در ادبیات و لغت نیز تبحر داشت. گذشته از دانش در علوم دینی از «فوه قدسیه» نیز بی بهره نبود و «مراتب دنیویه و مقامات اخرویه» را توأم داشت (۲۱).

سیدعلی خان در سال ۱۰۵۲ در مدینه بدینا آمد. بجهت اقامت پدرش نظام الدین احمد در هند، وی نیز به سال ۱۰۶۶ رهسپار آن دیار شد و بدنبال فوت پدرش از مقربان سلطان حیدرآباد هند شد و با توسعه قلمرو و قدرت والی آنجا، بر مناصب و اهمیت مقامات سیدعلی خان نیز افزوده شد (۲۲).

در سال ۱۱۱۳ سیدعلی خان جهت زیارت و رسیدگی به امور اموال و املاک به ارث مانده به حجاز سفر کرد و با سر و سامان بخشیدن به «ضیاع و عفار موروثی» آنها را وقف بر اولاد کرد و تولیت آن را بنابر اظهار مؤلف فارسنامه ناصری به فرزند ارشد از طبقه اول اولاد ذکور خود برقرار کرد. پس از این، بنابر دعوت و «خواهش پادشاه اسلامیان پناه شاه سلطان حسین» به عراق عرب و سپس اصفهان آمد، و از آنجا راهی مشهد شد و در حوالی نیشابور املاکی خرید و همچون املاک مکه و طایف، اینها را نیز وقف بر اولاد کرد. از آنجا که هوای مشهد را «سازگار با مزاج» ندید بنای توقف در اصفهان گذاشت اما این اقامت بدو از ناکشید و راهی شیراز شد و در محله بازار مرغ شیراز خانه ای خرید. اما بزودی و در سال ۱۱۱۸ درگذشت (۲۳).

از مجموع آثار سیدعلی خان، کتاب سلافة العصر فی محاسن اعیان العصر از جمله کتب رجال است که در مصر به چاپ رسیده است. همچنین شرح صحیفه سجادیه مشهور به ریاض السالکین که بنام شاه سلطان



در فارستانه ناصری از محمد تمامی امامی نام برده شده که در سال ۱۱۳۰ در منصب شیخ الاسلامی به تولیت میرزا مجدالدین محمد فرزند سیدعلی خان بر موقوفات مدرسه منصوریه با عبارت زیر حکم تائید زده: «فوضت امری الی الله الاحد الصمد و انا ابی احمد التمامی الامامی محمد سنه ۱۱۳۰»^(۹۷). قابل ذکر است که میرزا مجدالدین محمد در سال ۱۱۰۵ در حیدرآباد دکن هندوستان بدنیا آمد و در سال ۱۱۱۱ با پدرش به مکه و مدینه رفت و سپس به شیراز آمد. پس از حمله افغانها در سال ۱۱۳۶ از شیراز به فسا رفت و از آنجا راهی اصطهبانات شد و مزرعه دولت را خرید و آباد کرد. وی در سال ۱۱۸۱ درگذشت و در قلعه رونیز فسا دفن شد^(۹۸). هفتمین پسر وی میرزا حسن پدر مولف فارستانه ناصری است که در سال ۱۱۸۰ متولد شد و در سال ۱۲۳۷ درگذشت. حسن حسینی حسینی پسر سوم میرزا حسن مولف فارستانه ناصری است^(۹۹).

۲- بازخوانی اسناد

سند شماره ۱

حکم جهانمطاع شد آنکه چون پروانچه زمان نواب خاقان سلیمان شان بتاریخ شهر رمضان سنه ۹۲۶ شرف صدور یافته مضمون آنکه بنا بر وفور الثغوات و عنایت بیغات شاهانه دربارہ مرحمت پناه غیاثا منصورا مجددا مقرر فرمودیم که تمامی سیور غالات و مسلمیات و مغروزیات قدیمی و جدیدی حوری و مغروزی او و موقوفات مدرسه رفیعه منصوریه بقعه دشتک که در بلده و حومه و بلوکات واقع است از بساتین و دکاکین بلده و محموآباد و مواضع و مزارع و قنوات حومه و بلوکات و مواضع مهبودی کوهمره و احشام زاهد و قهره و بهکر [۹] و کرکانی و ترکسلویه و جماعت متفرقه و متفرقات حره و غیردلک بموجب طوماری که مستوفیان دیوان اعلی در یناب در توشقان نیل درست داشته‌اند و نشان همایون ما بتاریخ ۷ جمادی الاول سنه خمس و عشرين و تسعماته بر طبق آن شرف نفاذ یافته بامضاء مجدد متصل و مقرون شناسند و بر مشارالیه معاف و مسلم دانند و هیچ آفریده از امرا و حکام فارس سیما عمده الملکی زین الدین علی سلطان و جلال الدین شاهرخ سلطان و امرای کرام بشارت بیگ و ابراهیم بیگ و بادنجان بیگ و غازیان ذوالقدر و روملو و افشار و وزراء و کلاء ایشان و عمال و کلانتران احشام و بلوکات و متصدیان زکوه و جهات دارالملک شیراز بهیچوجه من الرجوه بر انمحال حوالتی ننمایند و بعلت مالوجهات و وجوهات و متوجهات و کندلک و ساوری و شیلان

و اگر میرزا معصوم را «حجت و مستمسک شرعی» باشد آنرا ارایه کند تا رسیدگی شود.

سند شماره ۴ با عبارت «حکم جهانمطاع شده» آغاز می‌شود و بمهر «بنده شاه ولایت سلطان حسین» بتاریخ رمضان سال ۱۱۱۹ در ۱۱ سطر صادر شده است. مضمون سند ادعای میرزا معصوم بر برخی املاک مجاور مدرسه منصوریه و درخواست فرزندان سیدعلی خان در جلوگیری از وی است. مجدالدین محمد، سیدمحمد جواد و سیدسلام الله استدعای چنین عملی دارند. گفتنی است که ادعای کلی میرزا معصوم بر تولیت موقوفات مدرسه منصوریه که در اسناد پیشین مطرح بود براساس عبارت این سند رد شده است آنچه که در این زمان مطرح است برخی املاک جزئی مدرسه مذکور است. در بخش پایانی این سند از «نایب ضابط الکای فارس» خواسته شده که در باب ادعای میرزا معصوم تحقیق کرده حقیقت امر را روشن سازد و در صورتیکه «خلاف شرع و حساب» باشد از او جلوگیری کند.

سند شماره ۵ با عبارت «حکم جهانمطاع شده» آغاز می‌شود و براساس درخواست وکیل فرزندان سیدعلی خان در ذیعقده سال ۱۱۱۹ در ۲۱ سطر صادر شده است. وکیل فرزندان سیدعلی خان از دخالت میرزا معصوم در امور موقوفات مدرسه منصوریه و تصرف در املاک وقفی و یکباب کاروانسرا و چند باب دکاکین ملکی مرحوم سیدعلی خان شکایت دارد. در این فرمان خواسته می‌شود بحقیقت موضوع رسیدگی شود. افزودنی است که براساس مضمون این سند، تولیت مدرسه منصوریه به میر معزالدین محمد (۹) مفوض گشته و وکیل اولاد سیدعلی خان در این امر نظارت دارد. در صاحب منصب، شیخ الاسلام و کلانتر، تحت نظر و رای مجتهد آقا جهانالدین محمد مسئول رسیدگی هستند.

سند شماره ۶ با عبارت «حکم جهانمطاع شده» آغاز می‌شود. این سند بمهر «بنده شاه ولایت سلطان حسین» متقوس است و در ذیعقده سال ۱۱۳۳ در ۳۵ سطر تحریر شده است. این فرمان براساس درخواست مجدالدین محمد فرزند سیدعلی خان صادر شده است. وی بر پایه معافیت موقوفات مدرسه منصوریه از گذشته، درخواست کرده که حکمی در تجدید و تائید معافیتهای صادر شود زیرا که در این ایام «متصدیان جهات قضایی [= قضایی ۹] شیراز و بعضی از عمال بعلت مطالبه... بخلافحکم اشرف مزاحمت می‌رسانند». در پاسخ به این درخواست فرمانی که در سال ۹۲۶ و ۱۱۱۸ صادر شده بود با همان مضمون و عبارت جهت مجدالدین محمد نیز صادر می‌شود.



بها و رسوم داروغگی و چریک و پیشکش و رسم الصداره و رسم الوزاره و رسوم کلاتری و رسومات متصدیان زکوه و جهات و رسوم شیزه چیان و انگور شیرخانه و سرکله و علفخوار و احداث و علفه و علوفه و آنچه اطلاق مالو خارج بران توان نمود طلبی نکنند و وجهه حرز و مساحت و بازدید و شماره و تفاوت پیرامون سرکار مومی الیه نکردند و قلم و قدم از انمحال کوتاه و کشیده دارند که دانسته بمومی الیه ارزانی داشتیم حکام کرام و غازیان و عمال و متصدیان مهمات دیوانی دارالملک شیراز حسب المسطور مقرر دانسته مطلقاً مجال نمرود و مخالفت احدی ندهند و شکر و شکایت مشارالیه را عظیم موثر شناسند و احکام نقیضه را درین ابواب سند نسازند و هر ساله رقم مجدد طلب ندارند و درینوقت سیادت و نجابت و نقابت پناه هدایت و فضایل و کمالات دستگاه سلاله السادات و النجباء العظام زین للسیاده و النجابه و النقباه و الفضیله و الدین میرزا سیدعلی خان ولد میرزا نظام الدین احمد نواده مرحمت پناه مزبور استدعای امضای اشرف نمود بنابرین پروانچه مطاع مزبور را من اوله الی آخره دربارہ سیادت و نجابت پناه مشارالیه ممضی و منفذ فرمودیم که احدی از مضمون آن عدول و انحراف نرزد تحریراً فی شهر صفر المظفر سنه ۱۱۱۸ [در مهر این سند عبارت «بسم الله بنده شاه ولایت سلطان حسین» دیده می شود]

سند شماره ۲

حکم جهان مطاع شد آنکه وزیر جلیل القدر فارس بشفقت شاهانه سرافراز گشته بداند که درینوقت سیادت و نجابت و نقابت پناه هدایت و فضایل و کمالات دستگاه سلاله السادات و النجباء العظام شمساً للسیاده و النجابه و النقباه و الفضیله و الدین میر سیدعلی ولد مرحوم میرزا نظام الدین احمد بعرض رساند که میرفخر وکیل مشارالیه که جهة ضبط حاصل املاک و سایر امور تعیین نموده بوده مبلغهای کلی تغلب و تصرف در آنها نموده و خانه قریب بمبلغ دویست و چهل تومان در دارالسلطنه اصفهان جهة سیادت و نجابت پناه مومی الیه ابتیاع نموده بوده و بعد از ورود مشارالیه به دارالسلطنه مزبور چون خانه مذکور را نسیبندیده بوکیل مزبور داده که مبیع و

قیمت آنرا مهمسازی نماید و مومی الیه خانه مذکور را مبیع و در مهمسازی قیمت آن تعلق مینماید و از قرار ثمن عالیجاه وزیر دیوان اعلی مقرب الخاقانی بنده زاده قدیمی مستوفی جلیل القدر سرکار خاصه شریفه بحقیقت رسیده بموجب طومار و سند علیحده که مشارالیه در دست دارد تشخیص باقی وکیل مزبور نموده و سند گرفته و درینوقت که حرکت سیادت و کمالات پناه مذکور را بسمت فارس شنیده روی پنهان نموده و متواریست و چون وکیل مزبور را در دارالعلم شیراز املاک و اسباب هست می باید که بعد از اطلاع بر مضمون رقم مطاع لازمه تفحص و تجسس نموده املاک و اسباب وکیل مزبور را که در دارالعلم شیراز بوده باشد از ایدی کسان او انتزاع و بمعتمدی که خاطر از اعتبار او جمع داشته باشد بسپارد که احتمال کلی آن است که مشارالیه بعد از استماع اینمراتب بدانتصوب آمده قیمت خانه مزبور را با سایر متوجهات خود به شرحی که مقرب الخاقان مشارالیه تشخیص داده مهمسازی و املاک و اسباب خود را تصرف نماید والا انوزارت پناه مساوی آن از املاک و اسباب او بتصرف سیادت پناه مزبور دهد و در این باب قدغن دانسته در عهده شناسد تحریراً فی شهر

ربیع الاول سنه ۱۱۱۸

[مهر:] بنده شاه ولایت سلطان حسین

سند شماره ۳

حکم جهانمطاع شد آنکه چون درینوقت سیادت و نجابت و نقابت پناه هدایت و فضایل و کمالات دستگاه سلاله السادات و النجباء العظام زین للسیاده و النجابه و النقباه و الفضیله میرزا سیدعلی خان ولد مرحوم مبرور مغفور میرزا نظام الدین احمد بعرض رسانید که نوبت تولیت مدرسه منصوریه واقع در دارالعلم شیراز که از محدثات آباء و اجداد مومی الیه است و از تاریخ بنا تا حال در یداجداد و اعمام مشارالیه و بعد از ایشان با میرزا نظام الدین احمد و بعد از فوت او حسب التجویز حکام شرع انجا سیما شیخ صالح بحرانی قاضی دارالعلم شیراز بنابر شرط اسن و ارشد بودن اولاد ذکور و تقدم بطن اعلی در هر مرتبه بر بطن اسفل در وقتنامه ثابته سیادت و نجابت پناه مشارالیه رسیده و از قرار کتابتی که سید مشارالیه



ساحت حکم شرعی آنرا بعرض اقدس رسانند که آنچه تا الحال مقرر گردیده بعمل آورند و در عهده شناسند تحریراً فی شهر.

ربیع الاول سنه ۱۱۱۸

[در مهر بالای این سند عبارت «بسم الله بنده شاه ولایت سلطان حسین» دیده می شود]

سند شماره ۴

حکم جهانمطاع شد آنکه چون درینوقت سیادت و نجابت و نقابت پناهان سلاله سادات و النجباء العظام سید مجدالدین محمد و سید محمد جواد و سید سلام الله اولاد مرحوم سید علیخان بعرض رسانند که یکباب خان و چند باب خوانیت [۹] که در دارالعلم شیراز و در جنب مدرسه منصوریه واقعت ملک اجداد ایشان است و قبل از این میرزا محمد معصوم خویش مشارالیهم بخلافشرع انور متصرف شده و بموجب رقم اشرف از تصرف او انتزاع و به تصرف والد ایشان داده شده و درینوقت مشارالیه در الباب [= اینباب ؟] محله [۹] معمولی درست داشته مجدداً ازاده تصرف در آنها دارد و استدعا نموده که مقرر گردد که مشارالیه بتصرف در آنها ننموده مزاحمت برساند بنابراین مقرر فرمودیم که نایب ضابط الکای فارس در باب خان و خوانیت مزبور بنحوی که حسبالرقم اشرف قبل ازین مقرر و معمول شد ممضی دانسته معمول دارد و در حضور اهالی شرع انور بحقیقت ادعای میرزا معصوم مزبور رسیده هرگاه خلافشرع و حساب بوده باشد او را مجاب و ممنوع سازد و اگر نحو دیگر بوده باشد حقیقت آنرا مشروحاً معروض شده و الا نهی و در اینباب قدغن دانسته از فرموده تخلف بورزد.

رمضان المبارک سنه ۱۱۱۹

[مهر این سند با عبارت «بسم الله بنده شاه ولایت سلطان حسین» منقوش است.]

سند شماره ۵

حکم جهانمطاع شد آنکه چون درینوقت وکیل اولاد مرحوم میرزا سیدعلی خان بعرض رسانند که درینوقت میرزا محمد معصوم که مدعی

بخط خود بقاضی مذکور نوشته بود میرزا صادق خطیب نایب تولیت و میرزا معزالدین محمد ناظر بود و بعضی از علمای اعلام و سادات کرام دارالعلم مزبور چیزی نوشته اند که سیادت پناه میرزا معصوم بعد از فوت میرزا جمال الدین محمد دشتکی که بادعای وکالت مباشر امر تولیت بود و دخل در تولیت نمود و بعد از آنکه سیادت و نجابت پناه میرزا سیدعلی خان از هندوستان وکیل تعیین کرد و ادعای رسیدن نوبت تولیت باو نمود حسب الحکم علمای انجا و قاضی مشارالیه از ید میرزا معصوم انتزاع و بید وکیل او داده و علم شرعی داریم که بالفعل تولیت مزبور حق شرعی سیادت پناه میرزا سیدعلی خان مشارالیه است و میرزا معصوم بدون حجت شرعی متصرف شده و شریعت و افادت و افاضه ... [یک کلمه ناخواناست] و کمالات دستگاه نظاماً للشریعه و الاعاده و الافاضه مولانا محمد شفیع شیخ الاسلام شیراز نوشته که از اخبار و اشهاد جمع کثیر از ثقات و معتبرین بثبوت شرعی پیوست که موقوفات مدرسه منصوریه سنین عدیده بعنوان تولیت حسب التصدیق مرحوم شیخ محمد صالح بحرانی قاضی دارالعلم شیراز در ید وکلاء سیادت پناه مشارالیه بود و از ملاحظه شروح تولیت از اسنیت و غیره مطابق شرح کثیری از نوشتجات معتبره متعلقه بموقوفات مزبور که بنظر رسید مستفاد میشود که تولیت موقوفات مزبور حق شرعی او و ید وکلاء او بر موقوفات مزبور ید شرعی بوده و از نوشتجات مرحمت و غفران پناهان آقا حسین خوانساری و مولانا محمدباقر خراسانی ظاهر و مستنبط میشود که تولیتی که شرعاً ب سیادت و نجابت پناه میرزا سیدعلی خان مشارالیه منتقل شده بوده و بدستور سابق حاصل موقوفات بمصرف وچوب آن صرف می شده بمحض ادعای تولیت و تصرف ... [یک کلمه ناخوانا] میرزا معصوم بدون ثبوت شرعی نسبت خود بواقف و حقیقت خود در محل موقوفه و تولیت مدرسه مزبور باین ورثه مزبور انتزاع ان از ید میرزا سیدعلی خان مشارالیه و وکلاء او صورت شرع ندارد بنابراین... [یک یا دو کلمه ناخوانا] که وزیر فارس در حضور اهالی شرع انور انجا موقوفات انجا را کماکان بتصرف وکیل سیادت و نجابت و فضیلت پناه میرزا سیدعلی خان مزبور داده نگذارد که میرزا معصوم مزبور مدخلی در آن نموده برقم با حکمی که در اساس بر طبق مدعای خود گذراننده باشد مستند شود و هرگاه او را سخن و مستسک و حجت شرعی بوده باشد در دارالسلطنه القدس در حضور وکیل مزبور محکوم به



کلمه «بسم الله» عبارت «بنده شاه ولایت» درج شده و قسمت پایین مهر که احتمالاً عبارت «سلطان حسین» بوده قابل خواندن نیست.

سند شماره ۶

حکم جهانمطاع شد آنکه چون درینوقت سیادت و نجابت پناه هدایت و نجات دستگاه نظاما للسیاده والنجاهه میرزا مجدالدین محمد ولد مرحوم میرزا سیدعلی خان بعرض رسانید که قبل ازین تمامی سیورغالات قدیمی و جدیدی مرحوم میرغیاث الدین منصور جلد مشارالیه و سیورغالات مدرسه رفیعه منصوریه و بقعه دشتک که از محدثات مرحوم مزبور و در بلده و حومه و بلوکات شیراز واقع است حسب الرقم اشرف در وجه والد او مقرر و معضی و منفذ و گردیده و از قدیم الایام حسب الاحکام مطاعه مقرر است که هیچ افریده از احکام فارس و وزرا و وکلاء ایشان و عمال کلانتران احشام و بلوکات و متصدیان جهات دارالملک شیراز بهیچوجه من الرجوه حوالتی ننمایند و بعلت سرکله [۹] و سایر وجوهات مفصله در رقم اشرف مزاحمت نرسانند و احکام نفیضه را درین ابواب سند نسانند و الحال با وجود آن مراتب متصدیان جهات قضایی شیراز و بعضی از عمال بعلت مطالبه جهات قضایی و سرکله و غیره بخلافکم اشرف مزاحمت میرسانند و استدعا نموده که رقم امضاء بنحوی که بوالد و اجداد او مرحمت شده بوده باسم او شرف صدور یابد و مقرر گردد که حاکم و وزیر فارس امداد و اعانت نموده وجوه سیورغالات مفصله در رقم مزبور را از حمل و مودیان وصول و واصل سازد و نگذارد که متصدیان و عمال جهات قضایی و سرکله و غیره مزاحمت رسانند و از سررشته ارقام مطاعه تصدیق نموده اند که رقم مبارک اشرف بقید حسب الامر الاعلی بتاریخ شهر صفر سنه ۱۱۱۸ باین شرح شرف صدور یافته که چون پروانچه زمان نواب خاقان سلیمان شان بتاریخ شهر رمضان سنه ۹۲۶ شرف صدور یافته مضمون آنکه بنابر وفور الثقات و عنایت نیات شاهانه درباره مرحمت پناه غیاث الدین منصوراً مجدداً مقرر فرمودیم که تمامی سیورغالات و مسلمیات و مفروضات قدیمی و جدیدی حوری و مفروزی او و موقوفات مدرسه رفیعه منصوریه و بقعه دشتک که در بلده و حومه و بلوکات واقع است از بساتین و دکاکین بلده و محمود آباد و مواضع و مزارع و قنوات حومه و بلوکات و موضوع مهبودی کوهمره و احشام زاهد و قهره و هکره [۹] و کره کانی و ترکسلویه و جماعت متفرقه و متفرقات جره و غیرذلک

تولیت مدرسه رفیعه منصوریه واقعه در دارالعلم شیراز است بدون حکم و تجویز اهالی شرع شریف خود سر بعنف و تعدی دخل در تولیت مدرسه مزبور و تصرف در املاک موقوفه آن و یکباب کاروانسرا و چند باب دکاکین ملکی مرحوم مزبور نموده و یکدینار بمصارف وقف صرف نمی نماید و بدانعلت محال موقوفات و مدرسه مزبوره روی بخرابی گذاشته و سیادت و نجابت پناه میرزا معزالدین محمد که تولیت مزبوره او مفوض گشته حسب الواقع نظم و نسق موقوفات مزبور نمیتواند نمود و استدعا نمود که بعهده کلانتر و شیخ الاسلام دارالعلم مزبور مقرر گردد که محال موقوفات مذکور را ضبط و نسق نموده حاصل آنرا بمصارف وقف صرف نمایند و علامه العلمایی مجتهدالعالی آقا جمال الدین محمد تصدیق نمود که تولیت مدرسه مزبور بنحوی که بمیر معزالدین محمد مشارالیه مفوض گشته باز بدستور بامیر معزالدین محمد مزبور بوده مقرر گردد که چندی در درگاه معلی توقف نماید که اگر کسی مدعی تولیت مزبور باشد در حضور او بحقیقت رسیده شود و مقرر شود که شیخ الاسلام و کلانتر دارالعلم مزبور املاک و رقبات موقوفه مزبور را از ید متصرفه با آنچه از حاصل آنها تصرف نموده باشد انتزاع و بازیافت و خود ضبط نموده وجه سیورغال آنها را بوکیل میر معز مشارالیه تسلیم و حق التولیه را ضبط نمایند که اگر دیگری حقیقت خود را ثابت نماید تولیت باو مفوض و حق التولیه تسلیم او شود و الا بمیر معز مزبور داده شود و باقی حاصل را در مصارف مقرر آن باتفاق یکدیگر و اطلاع وکیل میر معز مومی الیه صرف نمایند و هرکس در دارالعلم مزبور مدعی تولیت مذکور باشد خود یا وکیل او با سندی که در الباب [= اینباب ۹] داشته باشد بدرگاه معلی حاضر شود که اگر اثبات حقیقت خود نماید تولیت باو مفوض شود و الا بنحوی که بمیرزا معز مومی الیه شفقت شده باو مرجوع باشد بنا برین مقرر فرمودیم که کلانتر و شیخ الاسلام الکای مزبور در هر باب بشرحی که مجتهدالعالی مشارالیه تصدیق نموده عمل نمایند و بحقیقت حاصل خان و دکاکین ملکی که اولاد مرحوم مزبور عرض نموده اند که میرزا معصوم جیرا حاصل آنها را متصرف شده در الباب [= در اینباب ۹] پروانچه موافق شرع انور و شرح رقم سابق و بخصوص مقدمه خان و دکاکین مزبور بر طبق عرض مرحوم مزبور صادر گشته معمول و مرتب دارند و از فرموده تخلف نوزند.

ذیعقده سنه ۱۱۱۹

[مهر این سند مربوط به شاه سلطان حسین می باشد که در وسط آن بعد از



۳- توضیحات اسناد

- عالیجاه: عنوان و لقبی که خاص چهارده نفر از عالیترین ارباب مناصب حکومت صفوی بود، در عهد قاجار رو به تنزل نهاد و خاص پست‌ترین درجات لشکری و کشوری چون چاپار و کدخدا و غیره گشت^(۳۱).

- مقرب الخاقان: عنوانی است که به صاحب‌منصبان حکومت صفوی داده می‌شد. مرتبه‌دارندگان این عنوان پس از (پائین‌تر از) دارندگان عنوان عالیجاه بود و بالاتر از دارندگان عنوان مقرب‌الحضرت^(۳۲).

- سرکار خاصه شریفه: دولت‌خانه، درگاه، دربار؛ چنانکه در تذکره‌الملوک در توضیح منصب قوللر آفاسی می‌آید، وی «ریش سفید قاطبه غلامان سرکار خاصه شریفه» است^(۳۳). مستوفی سرکار خاصه شریفه، مسئول امور مالی دربار است که بعداً به دو شاخه معالیک و خاصه تقسیم شد. و شاخه دوم (خاصه) مسئولیت امور مالی مربوط به دولت‌خانه را به عهده داشت.

- رقم: اصطلاح کلی است که شامل حتی اوامر شفاهی شاه نیز میشد بعضی ارقام توسط وزیر اعظم صادر می‌گشت^(۳۴).

- معافی و مسلمی: واگذاریهایی که از معافیتهای مالیاتی برخوردارند^(۳۵).

- رسوم داروغگی: تذکره‌الملوک درآمدها را «رسوم» می‌خواند و در مجموع قسمی از مستمریهای ماموران رسمی رسومی بود که از انواع مختلف عواید و مخارج و مواجب وصول می‌گردید^(۳۶). داروغه بطورکلی بحکام اطلاق می‌شده است اما بعدها لقب حاکم پایتخت گردیده. در ادارات بزرگ منشیان طراز اول نیز داروغه نامیده می‌شدند^(۳۷). رسوم داروغگی، بهره و عوارضی بوده که برای داروغه در نظر گرفته می‌شد^(۳۸).

- رسوم کلانتری: کلانتر وظیفه و اختیار تعیین کدخدایان محلات و ریش سفیدان اصناف را داشت. البته این تعیین پس از ارائه پیشنهاد و تصمیم ساکنان محلات و اعضای صنف صورت می‌گرفت^(۳۹). رسوم کلانتری همانند رسوم داروغگی بهره و مواجیبی بود که از منابع مختلف صاحب منصب کلانتری دریافت می‌کرد و بخشی از حقوق او بحساب می‌آمد.

بموجب طوماری که مستوفیان دیوان اعلی درین باب در توشقان نیل درست داشته‌اند و نشان همایون ما بتاریخ شهر جمادی الاولی سنه خمس و عشرين و تسعمایه بر طبق آن شرف نفاذ یافته بامضای مجدد متصل و مقرون شناسند و بر مشارالیه معاف و مسلم دانند و هیچ آفریده از امرا و حکام فارس سیما عمده الملکی زین الدین علی سلطان و جلال الدین شاهرخ سلطان و امراء کرام بشارت بیک و ابراهیم بیک و بادنجان و غازیان ذوالقدر و رملو [= روملو] و افشار و دررا [وزراء] و وکلاء ایشان و عمال و کلانتران احشام و بلوکات و متصدیان زکوه و جهات دارالملک شیراز بهیچوجه من الوجوه بر آنمحال حوالتی ننمایند و بعلت مالوجهات و وجوهات و متوجهات و کندلک و ساوری و شیلان بها و رسوم داروغگی و چریک و پیشکش و رسم الصداره و رسم الوزاره و رسوم کلانتری و رسومات متصدیان زکوه و جهات و رسوم شیره‌چیان و انگور شیره‌خانه و سرکله [؟] و علفخوار و احداث و علفه و علوفه و آنچه اطلاق مالو خارج بران توان نمود طلبی نکنند و وجهه حرز و مساحت و بازدید و شماره و تفاوت پیرامون سرکار مومی الیه نگردند و قلم و قدم از آنمحال کوتاه و کشیده دارند که دانسته بمومی الیه ارزانی داشتیم حکام کرام و غازیان و عمال و متصدیان مهمات دیوانی دارالملک شیراز حسب المسطور مقرر دانسته مطلق مجال تمرد و مخالفت احدی ندهند و شکوه و شکایت مشارالیه را عظیم موثر شناسند و احکام نقیضه را درین ابواب سند نسازند و هر ساله رقم مجدد طلب ندارند و درینوقت میرزا سیدعلی خان ولد میرزا نظام‌الدین احمد نواده مرحمت پناه مزبور استدعای امضای اشرف نمود بنابراین پروانچه مطاع مزبور را من اوله الی آخره درباره مشارالیه ممضی و منفذ فرمودیم که احدی از مضمون ان عدول و انحراف نورزد بنابراین بر طبق استدعا رقم اشرف مزبور را من اوله الی آخره درباره سیادت و نجابت پناه مشارالیه ممضی و منفذ و مقرر فرمودیم که حاکم و وزیر الکای فارس امداد و اعانت نموده و جوه سیورغالات مفصله در رقم اشرف مذکور را از محل و مودیان وصول و واصل سیادت پناه مشارالیه نموده نگذارند که متصدیان و عمال وجوهات قصابی و سرکله و غیره مزاحمت باحوال مشارالیه رسانند و درینباب قدغ [= قدغن] لازم دانسته از فرموده تخلف نورزند و در عهده شناسند تحریراً فی شهر.

ذیعقده الحرام سنه ۱۱۳۳

[مهر این سند خوانا نیست اما به سبب و سیاق دیگر مهرهای این اسناد می‌باشد و احتمالاً عبارت «بسم‌الله بنده شاه ولایت سلطان حسین» در آن منقوش است]



بود (۴۵).

- حکام شرع: از سوی صدر انتخاب می شدند (۴۶). کسانی که بر اساس شرع بر مسایل کلی و قضایی نظر داشتند.

- چریک: بطور کلی به مفهوم قشون است. مینورسکی حدس میزند که در زمان صفویان عبارت از جنگجویان سهمی هر محل باشند (۴۷).

- پیشکش: هدیه. رهر برن آن را به مقدار معینی از بهترین محصولات و حتی پول نقد می داند که از ایالاتی که از سوی شاه حاکم نداشت دریافت می شد تفاوت و تمایز پیشکش نسبت به سایر هدایا در نادر و کامیاب بودن هدیه بود (۴۸).

- احداث: در فرهنگ معین به مفهوم نوعی حقوق دیوانی آمده است که با کاربرد آن در سند مربوطه هماهنگی دارد. علاوه بر این عبارت «احداث اربعه» به جرایم ... چهارگانه ای چون قتل، ازاله بکارت، کور کردن و دندان شکستن می گفتند (۴۹).

- علفه: مالیاتی که برای تهیه خوراک عمال حکومت وصول می شد. (فرهنگ معین)

- علوفه: مالیاتی که برای تهیه علوفه (ج علف: آنچه حیوان بخورد) مامورانی که از دهات عبور می کردند وصول می شد (فرهنگ معین)

- ساوری: نوعی مالیات است که در اسناد مربوط به گرجستان هر سه سال یکبار اخذ می شده و مربوط به دیوان اصلی بوده است. در نقاوه الآثار هم ساوری و پیشکش را با هم آورده: «خان ... بار دیگر در صدد و کشیدن پیشکش و ساوری درآمده. خرمنها از نقود ابیض و احمر و ... بدست نثار و نیاز کشیده آداب نیکو خدمتی ... بتقدیم رسانیده» (۵۰).

- شیلان: سفره طعام؛ در عالم آرای شاه طهماسب آمده: «اگر رخصت باشد شیلان در اینجا کشیده شود [که] ... ما هم می خواهیم که طرز [سفره] قزلباش را تماشا کنیم» (۵۱).

- رسوم شیره چیان: شیره خانه محل تدارک آب و قهوه و آشامیدنیهای خنک و همچنین ظروف و امثال آن بود. شراب با توجه به رواج آن در مجالس درباری دوره صفوی نیز در این محل نگهداری و توزیع می شد (۴۹). شیره چیان با آنکه در تذکره الملوک و اثر مینورسکی و بوسه نیامده اما قاعدتاً کارکنان این بخش می باشند و رسوم شیره چیان بخشی از بهره و عواید مالی آنهاست که از محلهای مختلف تامین می شد.

- رسم الصداره: بخشی از بهره و سهمیه صاحب منصب صدارت که از منابع مختلف تامین می شد و در مجموع و به همراه سایر درآمدها موجب این منصب را تشکیل می داد. صدر در دوره صفوی برگزیده سیاسی بود که ریاست اوقاف، علما، مدارس و مساجد و در کل موسسات مذهبی را بر عهده داشت (۴۰).

- رسم الوزاره: نوعی مستمری که وزیر اعظم دریافت می کرد. وی دارای مواجب معین و قطعی نبود (۴۱). وزیر اعظم یا وزیر دیوان اعلی (اعتمادالدوله) ریاست سازمان اداری (نظام دیوانی) را بر عهده داشت بویژه پس از اصلاحات عباس یکم وی جایگاه سنتی خود در ریاست بر تشکیلات اداری را بدست آورد.

- پروانچه: از مدارک اداری و نوعی حکم و فرمان است. چنانچه در تذکره الملوک تحریر آنها را وظیفه منشی الممالک می داند (۴۲).

- الگا (Olga): قطعه زمینی است که در اختیار قبیله بخصوصی می باشد (۴۳).

- سیورغال: معافیتی بود دائم و موروث و با آن ناحیه مشمول معافی در قلمرو حکومت نوعی خود مختاری حاصل می کرد. سیورغال بیشتر به عالمان مذهبی و موقوفات مذهبی داده می شد (۴۴). در برخی مواقع سیورغال بازه تعهداتی از جمله نظامی و اگذار می شد اما معمولاً مشروط به تمهدی خاص نبود.

- شیخ الاسلام: از مناصب دوره صفوی است که در تذکره الملوک درباره آن چنین آمده: «مشارالیه در خانه خود بدعواهای شرعی و امر بمعروف و نهی از منکرات می رسید ... ضبط مال غایب و یتیم اغلب با شیخ الاسلام



یادداشتها:

- ۱ - سید محمد نصیر حسینی «فرصت الدوله»، آثار المعجم در تاریخ و جغرافیای شروح بلاد و اماکن فارس، بکوشش علی دهباشی (تهران، ۱۳۶۲)، ص ۴۵۸.
- ۲ - محمد یوسف واله اصفهانی، خلد برین (ایران در روزگار صفویان)، به کوشش میرهاشم محدث (تهران، ۱۳۷۲)، ص ۳۰۵.
- ۳ - حسن حسینی فسائی، فارسنامه ناصری، مصحح منصور رستگار فسائی (تهران، ۱۳۵۱)، ج ۱، ص ۳۵۱.
- ۴ - فارسنامه ناصری، ج ۱، ص ۱۳، آثار المعجم، ص ۴۹۷.
- ۵ - خلد برین، ص ۳۰۵.
- ۶ - آثار المعجم، ص ۹۸-۴۹۷.
- ۷ - حبیب یغمایی، «یادداشتهای سفر شیراز»، بنما، شماره دهم (دی ۱۳۵۵ شمسی)، سال نهم، ص ۴۴۵.
- ۸ - بطروشکنی، بیکولوسکایا یا کوبوسکی، و دیگران، تاریخ ایران از دوره باستان تا پایان سده هجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز (تهران، ۱۳۶۳)، ص ۴۴۸.
- ۹ - آثار المعجم، ص ۹۸-۴۹۷ در اسناد این پژوهش نیز این مورد دیده می شود.
- ۱۰ - احمد بن شرف الدین حسین حسینی قمی، خلاصه التواریخ، تصحیح احسان اشراقی (تهران، ۱۳۶۳)، ج ۱، ص ۷-۲۹۹، مؤلف اثر فوق غیاث الدین منصور را «ثالث معلمین» نام می برد. در فارسنامه ناصری از مأموریت غیاث الدین منصور جهت اتمام و تعمیر رصدخانه مراغه آذربایجان یاد می کند، همانجا، ج ۱، ص ۲۹۶ آثار المعجم، ص ۴۵۸ و ۴۵۹ برای توضیحات بیشتر نگاه کنید: ذبیح الله صفاء، تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان پارسی از آغاز سده دهم تا سده دوازدهم هجری، (تهران، ۱۳۷۱)، ج ۵، بخش اول، ص ۳۴۷.
- ۱۱ - تذکره الملوک، به کوشش محمد دبیرسیاقی، و سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک، ترجمه مسعود رجب نیا (تهران، ۱۳۶۸)، ص ۲ (تذکره الملوک)، و ص ۷۴-۷۳ (سازمان اداری حکومت صفوی).
- ۱۲ - حسن بیگ روملو، احسن التواریخ، تصحیح دکتر عبدالحسین نوائی (تهران، ۱۳۵۷)، ص ۲۴۸.
- ۱۳ - فارسنامه ناصری، ج ۱، ص ۳۷۰.
- ۱۴ - احسن التواریخ، ص ۳۲۰ و ۳۰۷.
- ۱۵ - سید محمد باقر خوانساری اصفهانی، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی (تهران، ۱۳۶۰)، ج ۵، ص ۱۷۰-۱۶۷ میرزا عبد الله افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، به کوشش سید احمد حسینی (قم، ۱۴۰۱ ق)، ج ۳، ص ۶۰-۴۵۵.
- ۱۶ - شاه طهماسب صفوی، تذکره شاه طهماسب، با مقدمه امیرالله صفوی (تهران،

- متوجهات: مالیاتی که علاوه بر مقدار اصلی مقرر وصول می شد (فرهنگ معین). در فرمان معافیت مالیاتی برای موقوفات املاک مقدسه قم، از مستاجران و موقوفات خواسته شده که متوجهات (مالیاتیهای) خود را به متولی بنا بر دستور معمول مملکتی پرداخت نمایند^(۵۶). مال و متوجهات نیز به معنی مالیات و عوارض در اثر بوسه آمده است.

- مالوجهات [مال و جهات]: عایدی املاک و اراضی است (فرهنگ معین)؛ «مالیات و عوارض (مال و متوجهات) یک محل ... یا تعیین درآمد (از مال و جهات) یا از «بابت مال و جهات» اعطا می شده»^(۵۷).

- وجوهات: پولها؛ در تذکره الملوک آمده که «داد و ستد کل مالیات دیوانی و وجوهات انقادی خزانه عامره ... بدون تعلیقه و امر عالیجاه [وزیر اعظم] ... داد و ستد نمی شود»^(۵۴).

- اخراجات: هزینه ها^(۵۵).

- مالو خارج: به این شکل نگارنده در منابع بدست نیابرد اما به صورت خارج المال در نقاوه الآثار بعنوان نوعی مالیات و منبع درآمد ذکر شده است؛ «محافظة طرق اکثر بلاد عراق در عهده ... او قرار گرفته مبلغ چهارصد تومان تبریزی از بابت خارج المال بعضی از مواضع محروسه که محافظت طرق آن بلاد باو متعلق بود بمواجیش مقرر گشت»^(۵۶).

- تنخواه: بطور کلی به معنی نقد است اما به کل مستمریها اشاره شده. در شکل تنخواه یکساله و همه ساله به معنای مبلغ درست تر است^(۵۷).

- مفروزیات: مفروزی؛ جدا کردن، تحدید کردن

- حرز: بهره، حظ: حرز و مساحت

- تفاوت: عوارضی که دیوانیان از مقدار مالیات تقویم شده برای تامین مخارج خود وصول می کردند (فرهنگ معین). در تذکره الملوک به معنای لغوی بکار رفته است^(۵۸).

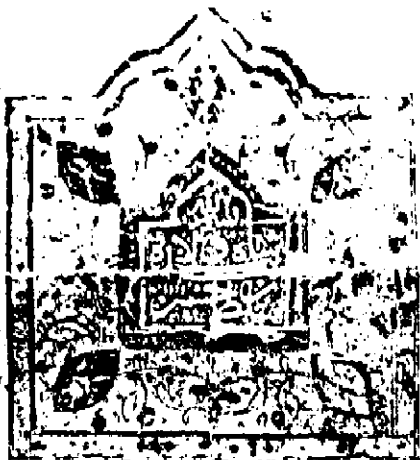
- رقبات: املاک و رقبات: املاک و مستغلات (موقوفه)، بندگان، بنده ها

- مسلمیات: نوعی معافی؛ «[اسماعیل دوم] سیورغالات و مقرریات و مسلمیات و وظائف ارباب عمایم ... را تغییر نداد»^(۵۹).

- ضابط: مأمور جمع آوری مالیات و رسوم^(۶۰).

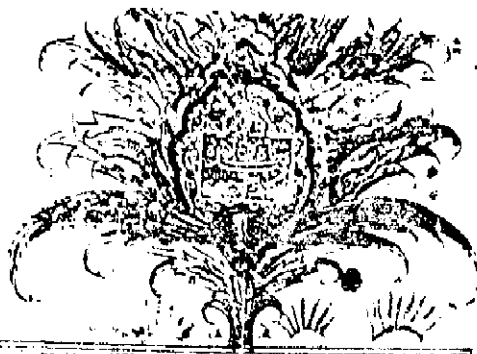


- ۱۳۶۳، ص ۱۴.
- ۱۷- فارسنامه ناصری، ج ۲، ص ۱۰۴ به بعد.
- ۱۸- همانجا، ج ۲، ص ۱۰۴۳.
- ۱۹- فارسنامه ناصری، ج ۱، ص ۸۲-۴۸۱ سند مذکور در مجموع اسناد مرکز اسناد ملی ایران موجود است.
- ۲۰- همانجا، ج ۱، ص ۱۳.
- ۲۱- روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ج ۵، ص ۲۰۰.
- ۲۲- عباس قمی، فوائد اله رضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه، (بی تا، بی جا)، ص ۲۷۰.
- ۲۳- فارسنامه ناصری، ج ۲، ص ۴۹-۱۱۰۴۴ محمد بن حسن حر عاملی، امل الامل، تحقیق سیداحمد حسینی، (قم، ۱۳۶۲ شمسی)، ج ۲، ص ۱۷۶ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۳، ص ۶۷-۱۳۶۳.
- ۲۴- فارسنامه ناصری، ج ۲، ص ۱۰۴۹-۱۱۰۴۴ روضات الجنات، ج ۵، ص ۲۰۳-۲۰۰؛ آقا بزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه (بیروت، بی جا)، ج ۱۲، ص ۲۲۱۲ تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۴۱۸ و ۴۱۰.
- ۲۵- ابن اسناد از آرشیو سازمان اسناد ملی ایران مورد استفاده قرار گرفته است. شماره گذاری این اسناد از نگارنده براساس تقدم زمان و جهت تسهیل در استفاده صورت گرفته است. شماره اسناد استفاده شده در آرشیو مرکز اسناد بدین شرح است. سند شماره (۱) ۲۸-۱۱۰۰۲؛ شماره (۲) ۱۱۱۸-۱۲۰۰۲؛ شماره (۳) ۸-۱۱۰۰۲؛ شماره (۴) ۷-۱۱۰۰۲؛ شماره (۵) ۵-۱۱۰۰۲؛ شماره (۶) ۲۶-۱۲۰۰۲.
- ۲۶- فارسنامه ناصری، ج ۲، ص ۴۹۴.
- ۲۷- فارسنامه ناصری، ج ۲، ص ۹۲۲.
- ۲۸- همانجا، ج ۲، ص ۹۲۵.
- ۲۹- همانجا، ج ۲، ص ۱۰۵۱-۱۰۴۹.
- ۳۰- مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۸۱ تذکره الملوک، ص ۴.
- ۳۱- سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۱۰۶.
- ۳۲- تذکره الملوک، ص ۱۴ و ۱۰ و ۹ و ۱۷ یوسف رحیم لو (مصحح)، القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه (مشهد، ۱۳۷۱)، ص ۱۲۹ هربرت بوسه-سرکار خاصه، را شامل بخش املاک سلطنتی می داند، نگاه کنید: هربرت بوسه، پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی بر مبنای اسناد دوران آق قویونلو و قراقریونلو و صفوی، ترجمه غلامرضا ورهرام (تهران، ۱۳۶۷)، ص ۱۶.
- ۳۳- سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۲۷۰.
- ۳۴- پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، ص ۱۴۱ سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۴۵.
- ۳۵- سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۱۶۹.
- ۳۶- همانجا، ص ۱۳۶.
- ۳۷- پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، ص ۱۷۷.
- ۳۸- تذکره الملوک، ص ۴۷.
- ۳۹- سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۳۰-۱۲۹.
- ۴۰- تذکره الملوک، ص ۲.
- ۴۱- سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۸۴.
- ۴۲- همانجا، ص ۲۷۱؛ تذکره الملوک، ص ۲۴.
- ۴۳- سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۴۵.
- ۴۴- همانجا، ص ۴۴.
- ۴۵- تذکره الملوک، ص ۳.
- ۴۶- همانجا، ص ۲.
- ۴۷- سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۵۸.
- ۴۸- رهبرین، نظام ایالات در دوره صفویه، ترجمه کیکائوس جهاننداری (تهران، ۱۳۵۷)، ص ۸۵.
- ۴۹- تذکره الملوک، ص ۲.
- ۵۰- نظام ایالات در دوره صفویه، ص ۴۱-۱۴۰ محمود بن هدایت الله افروخته ای نظری، نقاره الآثار فی ذکر الاخیار، تصحیح احسان اشراقی (تهران، ۱۳۷۳)، ص ۱۵۵.
- ۵۱- پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، ص ۱۹۸ عالم آرای شاه طهماسب زندگی داستانی دومین پادشاه دوره صفوی، به کوشش ایرج افشار (تهران، ۱۳۷۰)، ص ۱۳۰.
- ۵۲- پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، ص ۱۶۱.
- ۵۳- همانجا، ص ۱۶۴ و در اثری دیگر آمده، «مالی که از رعیت باز یافت می شود چند قسم است یکی مالوجهات است که عشر حاصل می باشد، نگاه کنید: القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه، ص ۶۱.
- ۵۴- تذکره الملوک، ص ۵.
- ۵۵- نقاره الآثار فی ذکر الاخیار، ص ۵۷۹.
- ۵۶- همانجا، ص ۳۳۵.
- ۵۷- سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۱۶۲.
- ۵۸- تذکره الملوک، ص ۲۳.
- ۵۹- نقاره الآثار فی ذکر الاخیار، ص ۴۱.
- ۶۰- سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۱۴۳.



حکم حضرت صاحب
 در این خصوص که چون درین وقت با و نیکو بقایب ان اسلاف اولیای افضا میسر
 و سید محمد چوادر سیدک الله اولاد مرحوم سید عیانی بعضی شرح و کتاب خان و حکم باب
 حریمت در دارالکلمه شیراز در جنب مدرسه منصوریه واقعت مکاتبات در این
 و بعد ازین مرزا محمد مصوم خویش را به هم کلاشروع انور متصرف شده و بموجب رقم
 مصوم و تقویون انو استیفاء تصرف و الدار داده شده و درین وقت لیس در الاب مملک مجبور
 در دست داشته بود و اراده تصرف در آنها دارد و استند عاقد و متورک و متورک در این
 در آنها نهمه مزاجی کند بنا برین متورک و معوم و نایب ضابط الکافرس در
 خان و حریمت مزاجی بخروج از دست شرف قدر این متورک و رسول شده مضروب
 دارد و در حضور املاک شروع انور کجاست ادعا مرزا مصوم مزور رسیده هرگاه
 و حجاب بجهت ادراک باب و ممنوع سازد و اگر خود بیکر بجهت حکم آن مشرف
 سده و الا در و در است دغن و البته از وسطه لعل لوزده

رمضان المبارک ۱۱۱۹



حکم و صورت
نابر که نور لهجات و عنایت بیخاستش با نوره باره مرتبانه غیاث منصوره مدد و امراض
و قاضی سوالات و مصلحت و معذرت و توبه و صید و حور و مفوز را و موقوفات
منصوره که در شکست که در بلده و حومه و بلوکات و این است از تبرک که در
و مواضع و مزاج و قنوت حور و بلوکات و مواضع جهود که مبره و حشام را بدو
و کاف و ترک و در جماعت منتهیه و متوقفات عده و غیر ذلک بموجب طوماری که مستوفی
دیوان آذربایجان در وقت بیست و هشته اندون در تاریخ چهارم بهمن و ششم و هفتم
بر طبق آن شرف نفاذ یافته با مضامین و مقصد و مقرون شد و بر سرستان و مسموم و در
از امر و حکام فارس سینه امده الکی نون الیون سطح و حلال الدن و امرا و کرام
و ابراهیم که باو کون یک باغزاران خواستند و در و موقوفه و در و زیاده و کلا و در و
چشم و بلوکات و متصدیان زکوة و جهات و دارالملک شیره از سبب جن الوجوه بر انزل
حوال که شد و بلوکات و جهات و در جهات و متوجهات و کندک و در و شکر و در و
دار و کجا و در یک و یک و رسم و رسم و رسم و رسم و رسم و رسم و رسم و رسم و رسم
متصدیان زکوة و جهات و رسوم شیره و چنان و انکوشیر چانه و سر کله و علف و اوصاف
و عطف و عطف و انچه اطلاق از طرح بر آن توان نفاذ کنند و جهود و موقوفات و باز دید و
و تقاضای بر آن عمل کرده و در و در و در و در و در و در و در و در و در و در و در و در
مور و رسمه از زکوة و رسم حکام کرام و غازیان و عمال و متصدیان جهات دیوان و دارالملک شیره
مسبب مسطور مقرر و رسمه و مصلحتها عمل نرزد و مصلحتها مقرر و رسمه و مصلحتها مقرر
شدند و حکام تقضیه این ارباب شدن زکوة و رسمه و رسمه و رسمه و رسمه و رسمه و رسمه
و در وقت تقاضا به ابراهیم و مصلحتها مقرر و رسمه و رسمه و رسمه و رسمه و رسمه و رسمه
و اعیان الدن میرزا سید علی محمد میرزا انصام امین احمد نواده میرزا محمد زکوة و مصلحتها
مقرر و رسمه و رسمه و رسمه و رسمه و رسمه و رسمه و رسمه و رسمه و رسمه و رسمه و رسمه
فرموده احد از مصلحت این عدول و انحراف نوزده

